

نهضت ترجمه آثار مولیر در ایران و نواحی خاورمیانه

(از آغاز تا پایان قرن نوزده میلادی)

نویسنده: نیایش پورحسن



و کمدی مسیو پورسنيک

کاتب: احمد الحسيني ابن ميرزا علي رضاى امين دواب تفرشى

تاريخ کتابت ۱۳۱۶ هجری قمری

سیری در تاریکی های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار

جلد ۴

نهضت ترجمه آثار مولیر در ایران و نواحی خاور میانه

(از آغاز تا پایان قرن نوزده میلادی)

و

کمدی مسیو پورسنياک

مترجم

(نامعلوم)

کاتب

احمد الحسينی ابن میرزا علیرضای امین دواب تفرشی

۱۳۱۶ ه.ق

نیایش پورحسن



کتاب گوله پنهانی



کتاب کوله پستی

نهضت ترجمه آثار مولیر در ایران و نواحی خاورمیانه

(از آغاز تا پایان قرن نوزده میلادی)

کمدی مسیو پورسنیاک

کاتب احمد الحسینی این میرزا علیرضای امین دواب تفرشی

نیایش پورحسن

شابک: ۰-۷۳-۸۲۱۱-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶

ویراستار: مینو ابوذر جمهری

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پشتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۵۹۴۸۱۰ - ۶۶۱۲۳۹۵۸

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷.....	سخنی با خوانندگان.....
۱۹.....	دیباچه.....
۲۵.....	فهرست آثار مولیر.....
	فصل نخست
۳۵.....	نگرشی بر کمدی «مسیو پورسنياک».....
	فصل دوم
۹۹.....	نگرشی بر تأثیرات «مولیر» و ترجمه آثار وی در روسیه و نواحی خاورمیانه.....
	فصل سوم
۱۴۱.....	نهضت ترجمه و اقتباس کمدی‌های «مولیر» در ایران.....
	فصل چهارم
۱۵۵.....	نگرشی بر نسخه‌شناسی، شناسایی کاتب و ترجمه کمدی «مسیو پورسنياک».....
	فصل پنجم
۱۶۵.....	معرفی، مقایسه و بررسی ترجمه‌های کمدی «مسیو پورسنياک».....
	فصل ششم
۱۷۷.....	نکاتی چند در باب تصحیح نسخه خطی کمدی «مسیو پورسنياک».....
۱۸۱.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۹۱.....	مسیو پورسنياک (کمدی بالت در سه پرده).....

سخنی با خوانندگان

«سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» مجموعه‌ای از جستارهای تازه‌یاب و ناگفته راجع به جریان‌ات مهم و تأثیرگذار نمایشی، مترجمان، نویسندگان، هنرمندان و آثار نمایشی فراموش‌شده از عصر قاجار است که برای نخستین بار به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد.

این مجموعه به‌طور کلی یک کتاب مدون راجع به تاریخ نمایش یا تاریخ ادبیات نمایشی ایران نیست، بلکه زنجیره‌ای از هم گسسته از تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان با تأکید بر دوران ناصری، مظفری و سپس عصر مشروطه است که در نوبه خود می‌تواند دوره‌های تاریک و فراموش‌شده‌ای را که تا به حال در پژوهش‌های پیشین مطرح نشده و یا به‌درستی به‌بوته شناسایی درنیامده است را معرفی نموده و به برخی از پژوهش‌های سابق الحاق نماید.

اگرچه مقولهٔ تناثر و نمایش در دورهٔ قاجار به‌ویژه دورهٔ مورد بحث ما دارای ظاهری به‌اصطلاح روشن است، اما به‌صراحت باید اذعان کرد که اطلاعات جامعهٔ پژوهشی ایرانی از این دوره به‌شدت کم‌رنگ و مختصر است و به همین جهت این دوره مملو از تاریکی، خلأ، نقاط گنگ و مبهم، اشخاص و جریان‌ات فراموش‌شده و در مجموع دچار پرش و نقصان است. از این رو این دوره نیاز به واکاوی و جستارهای جدید، پژوهش‌های تازه، کشفیات نو و ارائه اسناد و مدارک تازه دارد که این مجموعه درصدد است گوشه‌ای از این دریای بی‌کران را روشن سازد.

راجع به شیوهٔ نگارش و پژوهش این مجموعه باید گفت که هر مجلد سعی دارد به یکی از جریان‌اتی که در دنیای نمایش عصر قاجار تأثیرگذار واقع شد، بپردازد. این جریان‌ات خواه به‌صورت تأثیرات یک جریان همانند: «جریان طلیعهٔ نمایشنامه‌نویسی در ایران»، خواه به‌صورت تأثیرات یک درام‌نویس غربی همانند «مولیر»، «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است، و خواه به نهضت آشنایی ایران با تناثر و ادبیات نمایشی یونان و عثمانی، اتریش و... اشاره می‌کند. در ضمن در هر مجموعه، یک سند ارزشمند یا یک نمایشنامهٔ مربوط به هر جریان معرفی و عرضه می‌شود. غالب نمایشنامه‌های ارائه‌شده در این

مجموعه نیز آثاری تازه‌یاب یا غیرقابل دسترس هستند که با تاکنون در ادبیات نمایشی ایران از آن سخن به میان نرفته و یا اگر هم قبلاً ذکر از آن شده باشد، از اشارات گنگ مبرا نیست. از این رو بسیاری از مطالب و آثار نمایشی این مجموعه نیز برای نخستین بار به جامعه پژوهشی و نمایشی ایران عرضه می‌گردد.

مجلدهایی که در این مجموعه از نظر می‌گذرد، مشتمل بر دو قسم است؛ **قسم اول** تاریکی‌های ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ و **قسم دوم** تاریکی‌های نمایش‌های شادی‌آور در عصر قاجار.

راجع به **قسم دوم** در مجلدهای مربوطه به تفصیل شرح داده خواهد شد. اما در مورد **قسم اول** باید اذعان نمود که تأکید اصلی نخستین مجلدات این مجموعه بیشتر حول جریانات و آثار فراموش شده از عصر ناصری، مظفری و سپس مشروطه است. این دوره تقریباً از نیمه دوم دهه ۱۲۸۰ ه. ق آغاز شده و تا سال ۱۳۲۴ ه. ق یعنی تاریخ صدور فرمان مشروطه (و حتی مدتی بعد از آن را) در بر می‌گیرد، زیرا در **وهله نخست** پیدایی و طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران به شیوه فرنگستان مدیون کوشش‌های اولیه در این عصر است؛ در **وهله دوم** تا به امروز چنانچه باید، نتوانستیم به سیر تطور منطقی و توالی هنرهای نمایشی در این دوره دست یابیم؛ و در **وهله سوم** این دوره یکی از مقاطع حساس و تأثیرگذار تاریخ نمایش و ادبیات نمایشی ایران است که شوربختانه به شدت دچار گسست و فراموشی شده است. چنانچه به طور مثال وقتی به معتبرترین کتب تاریخ ادبیات نمایشی و تئاتر ایران مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که هر وقت از طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار سخنی به میان رفته است، تنها یا از یکی دو اسم نظیر: «آخوندزاده» و «میرزا آقا تبریزی» به عنوان سردمداران آن یاد شده و یا از میان نویسندگان تأثیرگذار خارجی فقط از آثار «مولیر» سخن به میان رفته است. حال آنکه از جریانات، مسائل و اشخاص دیگر که شاید به همان اندازه و در ابعاد مختلف تأثیرگذار بودند، به‌ندرت حتی اشاراتی دیده شود. همچنین همین کم‌توجهی و فقدان پژوهش را می‌توان در وضعیت ادبیات نمایشی و تئاتر ایران از دوران ترور «ناصرالدین‌شاه» تا صدور فرمان مشروطه که ۱۱ سال پریهاور را در بر می‌گیرد مشاهده نمود. زیرا پیرامون این دوران حساس که پیش‌درآمدی بر شکل‌گیری نهضت مشروطیت در ایران شد تا به حال پژوهشی کامل در هنرهای نمایشی ایران صورت نگرفته و بدین جهت این دوره تأثیرگذار به طور کلی یا حذف گردیده و یا از پرداختن دقیق به آن صرف نظر شده است. دلیل

آن هم کاملاً موجه است؛ زیرا که قدما نوشته‌اند و منبع تغذیه‌ای را برای استفاده رهروان خود بر جای نگذاشتند.

به هر حال مجلدهای این مجموعه که تاکنون آماده‌سازی شده‌اند عبارتند از:

۱. (جلد ۱، الف) جریان طلیعه نمایشنامه‌نویسی در ایران به شیوه فرنگستان (در عصر قاجار) و «طیاتر میرزاسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه» (تاریخ نگارش ۱۲۸۷-۱۲۹۲ ه.ق.)؛ (جلد ۱، ب) جریان طلیعه تناتر در ایران و «سرگذشت تماشاخانه دارالفنون» (نخستین تماشاخانه ایرانیان به روش فرنگستان).

۲. آشنایی ایرانیان با تناتر و ادبیات نمایشی عثمانی (در عصر قاجار) و کمدی «محمد چلبی» (تاریخ ترجمه نیمه دوم دهه ۱۲۸۰ ه.ق.).

۳. نهضت آشنایی ایرانیان با «پیر کورنی» در عصر قاجار

و «حکایت زُدگون، خواهر پادشاه پارت» (ترجمه بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ ه.ق.).

۴. نهضت ترجمه آثار «مولیر» در ایران و نواحی خاورمیانه در عصر قاجار (از آغاز تا پایان قرن ۱۹ میلادی) و کمدی «مسیو پورسنیاک» (کتابت در سال ۱۳۱۶ ه.ق.).

۵. تاریخچه آشنایی ایرانیان با تناتر و ادبیات نمایشی یونان باستان (از آغاز تا پایان عصر قاجار) و مجلس الکتر از تماشاخانه «سوفوکل» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (ترجمه به سال ۱۳۱۸ ه.ق.).

۶. آشنایی ایرانیان با تناتر و تماشاخانه‌های اتریش در عصر قاجار و آتش‌سوزی تماشاخانه «رینگ» وین به روایت مدارک عصر ناصری (۱۲۹۹ ه.ق.).

۷. «عروسی مجبوری» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (۱۳۳۱ ه.ق.).

۸. نهضت «الکساندر دوما» در عصر قاجار در ایران و نمایشنامه «برج نل» ترجمه «عبدالحسین میرزا مؤیدالسلطنه» (۱۳۲۲ ه.ق.).

و مجلدهای دیگری که در شرف آماده‌سازی هستند.

اما در باب شیوه نگارش این مجموعه نیز لازم است اشاراتی کنم.

نخست آنکه در نگارش این مجموعه تا حد زیادی سعی شد که از تحسین جستارهای معدودی از پژوهشگران و تکرار آنچه قدما نوشته‌اند پرهیز شود. زیرا طبیعتاً مطالب نوشته‌شده نیازمند تکرار مکررات نیست. از این رو غالب مطالبی که در این مجموعه منتشر می‌شود، مبتنی بر کوشش‌های شخصی و حداقل امکان متکی بر اسناد و مدارک معتبر و یا حداقل

قابل قبول است که در صورت لزوم اگر تکراری نیز در آن به چشم می خورد بی گمان یا تصحیح و تکمیل شده و یا نکات تازه ای به آن افزوده شده است.

دوم آنکه هرگز از روش برخی از مترجمان امروزی که مسائل مربوط به تحلیل نمایشنامه را از منابع غربی برداشته و به انتهای کتاب های خود ضمیمه می کنند، پیروی نکردم. از این رو تحلیل آثار نمایشی هر مجلد، خوب یا بد، ضعیف یا قوی حاصل بررسی و جستارهای نگارنده است.

سوم آنکه در این مجموعه تا حد بضاعت سعی شد که با احترام به خوانندگان مطالبی ارائه گردد که غالباً حاوی نکات تازه ای باشد. زیرا خوانندگان روشن ضمیر آشکارا واقف هستند بسیاری از پژوهش هایی که در چند دهه اخیر در زمینه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در قالب مقاله و کتب مختلف منتشر می شوند یا بیشتر جهت سوابق سازی پژوهشی و ارتقاء رتبه دانشگاهی بوده است و یا غالباً از کپی برداری و تغییر رسم الخط مطالب چند پیشگام فراتر نمی رود. چنانچه اثبات این ادعا را می توان در بسیاری از کتب و مقالات تکراری و کم کیفیت نسل دانشگاهی امروز به صراحت مشاهده نمود.

چهارم آنکه تمام تلاش خود را انجام دادم که این مجموعه با حساسیت و وسواس شدید نگارش شود. تا آنجا که بضاعت ناچیز نگارنده اجازه می داد، سعی نمودم که از انتخاب نسخ گرفته تا تحلیل آثار، انتخاب منابع و اسناد، مطالب تازه ای را به گنجینه ادبیات نمایشی ایران عرضه کنم. یقیناً در این زمینه نقصان هایی نیز وجود خواهد داشت که پیشاپیش از این بابت از همه خوانندگان عزیز پوزش می طلبم.

پنجم آنکه نگاه این مجموعه نگاهی تاریخی و مبتنی بر اسناد است که با روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی نگارش شده است.

ششم آنکه هر مجلد از این مجموعه به طور کلی شامل چند بخش عمده است:

بخش اول معرفی و شناسایی تأثیرات یک جریان خاص نمایشی در عصر قاجار. این جریان گاه به صورت نهضت و جریان شناوری همانند «جریان طلیعه نمایشنامه نویسی» در کشور ما است؛ گاه تأثیر مستقیم یک فرد همانند «مولیر»، «پیر کورنی» و «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است. گاه تأثیرات یک فرهنگ و کشور همانند یونان و عثمانی و اثریش در تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان است.

در بین این افراد بیشترین تمرکز بر روی «مولیر» بنا نهاده شد. زیرا تأثیر افکار و آثار «مولیر» در طلیعه تئاتر و ادبیات نمایشی ایران و حتی عثمانی، روس و ممالک عرب بیش از «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» بوده است. از این رو از «مولیر» در مجلد چهارم و هفتم به تفصیل سخن رانده شده است.

بخش دوم معرفی یک اثر نمایشی تازه‌یاب از دوره ناصری، مظفری و حتی عصر مشروطه. این آثار یا همانند نمایشنامه‌های «طیاتر میرزاسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه»، «ردگون»، «مسیو پورسنياک»، «الکتر» و رساله «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تئاتر» نسخه‌ای خطی است؛ یا همانند «محمد چلبی» و «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «عروسی مجبوری» آثاری چاپ‌شده می‌باشند.

راجع به آثار خطی در این مجموعه باید گفت که هر کدام از این آثار نسخی منحصربه‌فردند که غالباً فاقد شناسنامه لازم هستند. چنانچه نسخه «طیاتر میرزاسیف‌الدین خان وزیر مهمام خارجه» فاقد نام نمایشنامه‌نویس و تاریخ دقیق نگارش است، تراژدی «ردگون» فاقد سال ترجمه و حتی عدم مشخصات دقیقی از مترجم است. نسخه «مسیو پورسنياک» فقط حاوی نام کاتب و تاریخ کتابت است. «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تئاتر» نیز فاقد تاریخ دقیق ترجمه است و در بین نسخ خطی تنها «الکتر» است که حاوی نام دقیق اثر، مترجم و تاریخ ترجمه می‌باشد.

در مورد آثار ترجمه‌شده باید گفت که در هیچ‌یک از این نسخ، منبع اصلی ترجمه و زبان ترجمه ذکر نشده است. زیرا در آن زمان چنین کاری نه در ترجمه متون نمایشی و نه حتی در مثنی‌برداری آثار نقاشی اساساً مرسوم نبوده است. هرچند جالب است که گفته شود هر سه نمایشنامه از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند.

مِن باب سه نسخه «محمد چلبی»، «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «عروسی مجبوری» باید اشاره کرد که نسخه «محمد چلبی» اصلاً در ایران چاپ نشده است. مترجم و تاریخ دقیق ترجمه آن به قطعیت مشخص نیست و تنها در مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای آن به زبان آلمانی، اطلاعاتی مختصر از آن درج شده است. نسخه‌های «برج نل» (تمثیل تیاتر) و «عروسی مجبوری» نیز اگرچه آثاری چاپ‌شده هستند،

اما شوربختانه برای سال‌های طولانی همانند سایر نسخ مزبور به محاق فراموشی سپرده شده است.

بخش سوم شناسایی و معرفی نسخه‌ها، مترجمان، کاتبان، زمان انتشار، مسائل مربوط به این آثار از جمله مواردی است که در هر مجلد به تفصیل شرح داده می‌شود.

در این بخش تاریخچه هر اثر و تأثیرات جریان آن در ادبیات نمایشی قاجار مشخص شده است. این تاریخچه گاه همانند قطعه نمایشی «محمد چلبی» سرنوشتی پر فراز و نشیب داشته است، گاه نیز همانند «برج نل» از همان ابتدا تا حدودی مشخص بود.

از میان مترجمان نام پنج مترجم نسخ «ردگون»، «الکتر»، «برج نل» (تمثیل تیاتر)، «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تناتر» و «عروسی مجبوری» مشخص گردید، اما مترجم دو نسخه نمایشی «محمد چلبی» و «مسیو پورسنيک» همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند.

راجع به مترجم کمدی «مسیو پورسنيک» اگرچه نتوانستیم نام مترجم را شناسایی کنیم اما سعی نمودیم که کاتب آن را تا حد بضاعت معرفی کنیم. شاید در آینده بتوان در بین اسناد تازه‌تر، روابطی میان کاتب نسخه و مترجم پیدا نمود.

نام دو مترجم نسخ دیگر یعنی «عبدالحسین میرزا مؤیدالسلطنه» و «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه» از همان ابتدا بر روی نسخه‌های موجود مندرج بود، از این رو صرفاً ضرورت تهیه زندگینامه‌ای مبسوط از آنها احساس می‌شد. زیرا اگرچه راجع به «عمادالسلطنه» سابقاً مطالبی منتشر شده بود، اما از «مؤیدالسلطنه» تاکنون هیچ مطلبی در تذکرها و کتب قاجاری مندرج نشده بود.

خوشبختانه نام مترجم «ردگون» یعنی «مرتضی مترجم» نیز پس از پیگیری‌های بسیار به دست آمد که از این نظر مفتخریم که شخصیتی گمنام اما فرهیخته را برای نخستین بار به تاریخ پیدایی ادبیات نمایشی ایران معرفی می‌کنیم.

در ضمن گفتنی است در این بخش به جریان‌ات دیگری نیز اشاره شده است. این جریان‌ات گاه همانند جلد چهارم به تطبیق اقتباس‌های «مسیو پورسنيک» در

ادبیات نمایشی ایران پرداخته است و گاه نیز همانند جلد دوم به تأثیرات بینافرهنگی «محمد چلبی» در ادبیات شرق و غرب اشاره دارد.

بخش چهارم در هر مجلد سعی بر این شد که هر اثر نمایشی به تفصیل تحلیل گردد. راجع به این مبحث باید گفت که به جز نمایشنامه «الکتر» از بقیه آثار تاکنون هیچ تحلیل جامع و کاملی در کتب نمایشی ایران عرضه نشده است. از این رو سعی نمودیم که تحلیل نمایش‌های این مبحث را با تکیه بر منابع ایرانی، خارجی و تا آنجا که در حد بضاعت بود ارائه دهیم.

بخش پنجم متون نمایشی غالباً پس از استتساخ و تصحیح مورد حواشی‌نویسی قرار گرفتند و توضیحات مربوطه نیز در پانویس هر صفحه درج گردید. راجع به نحوه تصحیح متون باید گفت که هر متن پس از استتساخ، مورد بازبینی قرار گرفت. برخی از واژگان به تعبیر امروزی مصطلح نبود و نیازمند توضیحات بود. برخی از ترجمه‌ها حاوی واژگان فرانسوی، عربی و ترکی بودند که معنای آن‌ها نیز استخراج و در پانویس عرضه شد. برخی از واژگان عبارت بودند از اسامی شهرها، اشخاص، اساطیر و اصطلاحات خاص، که هر کدام نیز به‌طور معمول در پانویس شرح داده شد. برخی از متون در قسمت‌هایی ناخوانا و در قسمت‌هایی غیرگویا بودند. توضیحات این مباحث را نیز به‌طور کلی در صفحات مجلدات مربوطه شرح دادیم. برخی از نسخه‌ها همانند «محمد چلبی» نیازمند مقابله با آثار اصلی آن یعنی ترکی و فرانسوی بود. برخی از متون همانند «مسیو پورسنیاک» و «ردگون»، «الکتر» و حتی «عروسی مجبوری» با برخی از نسخ فرانسوی و حتی انگلیسی مربوط به دوران حیات مترجم تطبیق داده شد و شرح آن نیز در مجلدات مربوطه درج گردید.

ناگفته نماند که تمامی متون نمایشی ترجمه‌شده در عصر قاجار فاقد ذکر مراجع کتب اصلی خود هستند. از این رو شناسایی کتب اصلی تا حد زیادی امکان‌ناپذیر است؛ بدین جهت برخی از متون این مجموعه همانند «کمدی مسیو پورسنیاک» علی‌رغم ترجمه‌ای مطلوب، دارای نواقص فنی زیادی بود که حداقل مکان در تصحیح متن برطرف گردید.

راجع به منابع و مآخذ نگارش این مجموعه باید اذعان نمود که در این مجموعه از چند قسم منابع استفاده شده است. منابع چاپی (کتب و مقالات)، نشریات قدیمی و جدید، منابع چاپ سنگی، منابع خطی و اسناد چاپ نشده، و منابع خارجی. هرگز سعی نکردم در استفاده و شناسایی و استناد به منابع، همانند عده معدودی از پژوهشگران و مدرسان سرشناس این رشته تنها چند کتاب را پیش روی خود گذاشته و با استفاده از منابع مندرج در همان کتب و شیوه مرسوم فلانی این را گفت یا فلانی آن را گفت، کتابسازی کنم.

این پژوهش ماحصل چند سال کوشش و زحمات ناچیز نگارنده در جهت شفاف سازی گذشته تاریک نمایش و ادبیات نمایشی کشورمان است. در این وادی به دفعات مستأصل و سرخورده شدم. چند بار عطای پژوهش را به لقای آن بخشیدم. با دلسردی و یأس مواجه شدم. اما با این حال از نو شروع کردم؛ اما هر بار مأیوس تر و دلسردتر از دفعه قبل نگارش این مجموعه را ادامه دادم. انگیزه جوانی و کفش های آهنی نیز که در این راه پوشیده بودم امروزه به شدت از بین رفته است. به برخی از کتابخانه ها و مراکز اسناد آلرژی شدید پیدا کردم. رفتارهای برخی از کتابدارها و مسئولان به شدت رقت انگیز است. گویی ارث آباء و اجدادی خود را می خواهند در اختیار محققان قرار دهند. خیلی جالب است که هیچ مرکز پاسخگو و حامی پژوهشگران هم اساساً در این دوره وجود ندارد و به سان بسیاری از پژوهشگران مهجور این مرز و بوم از هیچ گونه حمایت اقتصادی و معنوی دولتی و شخصی برخوردار نبودم. حتی برخی از مراکز اسناد و مسئولان و کتابخانه ها و موزه ها جز اتلاف وقت و سیستم بوروکراسی اداری و در نهایت پاسخ منفی با کلی اعصاب خردی از هرگونه مساعدت و همکاری مثبتی نیز با نگارنده امتناع نمودند. از همه بدتر در این بین با تعدادی از کارمندان مراکز اسناد و اساتید دانشگاه هایی مواجه شدم که راه همفکری و همکاری را صرفاً در گرو سؤاستفاده پژوهشی در جهت چاپ مقاله و ارتقاء پُست و درجه خود می دیدند. همین جا به صراحت اعلام می کنم که یکی از سوءاستفاده های صورت گرفته از سوزده های پژوهشی نگارنده، پژوهش ده ساله ای تحت عنوان «میرزا علی اکبر خان مزین الدوله نقاشباشی» است که یکی دو پژوهشگر نما با کمال وقاحت آن موضوع را توأم با برخی از مدارک بنده مورد دستبرد قرار دادند.

خب طبیعی است که با این وضعیت، تاکنون به بسیاری از اسناد و مدارکی که نیازمند آن بوده‌ام دسترسی پیدا نکرده‌ام، امید است که در آینده بتوانم با دسترسی به آن اسناد و مدارک، ویرایش جدیدتری از این آثار را به خوانندگان ارائه دهم.

به هر حال با وجود این مشکلات تمام تلاش خود را انجام دادم که حداقل برخی از این جریانات و آثار نمایشی گمنام را از محاق فراموشی نجات داده و برای آیندگان به ثبت برسانم.

در همه کشورهای متمدن دنیا نه تنها پیشینه نمایشی خود را نفی نمی‌کنند، بلکه به دفعات نیز آن اطلاعات را منتشر و با ویرایش و نظرات جدید به خوانندگان عرضه می‌کنند. شوربختانه در این زمینه جامعه تئاتری ما به شدت فقیر و ضعیف عمل نموده است. بی‌گمان در این مسیر چند عامل مهم دخیل می‌باشد که عبارتند از:

نخست در این زمینه جز تعداد انگشت‌شماری پژوهشگر با کمبود نیروی متخصص مواجه هستیم. دوم عدم شناخت و توجه بی‌چون و چرای جوامع دانشگاهی به تئاتر و مکاتب نظری و فلسفی غرب مسبب شده که بسیاری از اساتید و دانشجویان و مسئولان، پیشینه نمایش و ادبیات نمایشی خودمان را به دید تحقیر بنگرند و به همین جهت فضای پژوهش در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی ایران را تا حد زیادی کم‌اهمیت جلوه دهند. سوم در این زمینه برخی از پژوهشگران و اساتیدی که فعالیت می‌کنند، غالباً خود یا آشنایی لازم را با مقوله تئاتر و هنرهای نمایشی ایران ندارند، و یا آنکه میزان اطلاعات‌شان از محدود کتب و مقالات برخی از پیشینیان فراتر نمی‌رود. مدعای این گفتار کتب تکراری و مقالات به اصطلاح علمی و پژوهشی بسیاری از دانشجویان و اساتید فعلی است که غالباً از روش‌های کپی-الصاق استفاده می‌کنند. از این رو کیفیت تحقیقات و پژوهش‌های نسل دانشگاهی امروز خود نیز به شدت نیازمند بررسی و نقادی است، زیرا بسیاری از اساتید پس از دریافت کرسی در دانشگاه‌ها راه فرصت‌طلبی و راحت‌طلبی را بر خود واجب شمرده و جهت دریافت رتبه‌های دانشگاهی از روش‌های متعددی برای نگارش، پژوهش و ترجمه استفاده می‌کنند. نگارنده فرازهای کوچکی از این نوع دستاوردهای اساتید معتبر فعلی جوامع دانشگاهی تئاتر را در جلد هفتم این مجموعه به خوانندگان گوشزد نموده‌ام.

چهارم سیاست‌گذاری بسیاری از جوامع نشر نیز خدمت‌شایانی به کاهش کیفیت آثار پژوهشی داخلی نموده است. زیرا بسیاری از ناشران امروزه با گرایش شدید به آثار ترجمه و

بازگشت سرمایه خود در بیشتر موارد آثار تفننی، ضعیف و بی کیفیت برخی از مترجمان تازه کار و مشتاق را به برخی از پژوهش های مرتبط با تاریخ و فرهنگ این مملکت ارجحیت داده و با هزار تا عذر و بهانه و زایل ساختن وقت و مزد مؤلف از انتشار برخی از کتب پژوهشی که، شاید برای آیندگان مفید واقع شود، طفره می روند.

مضاف بر این، عدم ارتزاق و تأمین مخارج زندگی محققان از این راه، نبود مسئولان کارآمد و دلسوز در جامعه نمایشی ایران، فقدان هیچ مؤسسه و مرکز تحقیقاتی در ایران جهت حمایت پژوهشگران غیرخودی از دیگر مواردی است که باعث شده نه تنها دامنه پژوهش های هنرهای نمایشی ایرانی مهجور، ضعیف و غالباً تکراری واقع شود، بلکه هر آنچه نیز قدما به درست یا اشتباه گفته اند، به صورت حافظه تاریخی به دفعات ثبت و ضبط گردد.

حال مجموعه ای که اینک تحت عنوان «سیری در تاریکی های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» از نظر خوانندگان عزیز می گذرد، به واقع بستری جهت تجدید نظر در پژوهش های سابق هنرهای نمایشی کشورمان، اصلاح گفتار کم اساس برخی از قدما، رفع نواقص برخی از کتب راجع به ادبیات نمایشی قاجار و از همه مهم تر شفاف سازی بخشی از تاریخ نمایش این مرز و بوم است که متأسفانه پس از گذشت بالغ بر یک صد سال همچنان در مُحاق فراموشی است.

در آخر اینکه این مجموعه نیز همانند سایر جستارها اولین و آخرین نیست، لذا امید است که، حداقل با ثبت این اسناد و مدارک برای آیندگان، زیربنای تحقیقات بنیادی و کامل تری را برای رهروان بعدی فراهم سازد.



کاتب : احمد الحسینی ابن میرزا علیرضای امین دواب تفرشی

۱۲۶۶ هـ ق

«مولیر» چه در غرب و چه در نواحی خاورمیانه و ایران همواره به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار ادبیات دراماتیک دنیا قلمداد می‌گردد. آثار او همواره به‌عنوان نخستین الگو و منبع ترجمه برای مترجمان و الهام‌بخش کمدی‌نویسی در نواحی خاورمیانه در قرن ۱۹ میلادی برشمرده می‌شود.

یکی از آثار «مولیر» که برخلاف سایر آثار برجسته وی نظیر: «تارتوف»، «دون ژوان»، «مردم‌گریز»، «خسیس» و... از شهرت و آوازه کمتری در ادبیات نمایشی دنیا برخوردار است، بی‌گمان کمدی «مسیو پورسینیاک» است و این امر را می‌توان به مراتب در کتب تألیفی و ترجمه‌ای که راجع به زندگانی و آثار وی که در ایران و جهان صورت گرفته به‌وضوح مشاهده نمود.

در تاریخچه نهضت ترجمه و اقتباس کمدی‌های «مولیر» در ایران که از سال ۱۲۸۶ قمری آغاز و دست‌کم تا به امروز بر قوت خود باقی است، شاید برخلاف تصوّر، کمدی «مسیو پورسینیاک» یکی از معدود آثار «مولیر» تلقی گردد که هم ترجمه شده و هم از آن چند اقتباس صورت گرفته است. اما به‌جهت آنکه پس از گذشت سالیان دراز و علی‌رغم کوشش‌های برخی از محققین آنچنان که باید و شاید نتوانستیم تا به امروز به تاریخ مدون و کاملی از تاریخ تئاتر کشورمان دست یابیم، لذا این ترجمه و اقتباس‌ها نیز به‌راحتی از تاریخ ادبیات نمایشی این مرز و بوم محو شده‌اند.

کتابی که اینک از نظر می‌گذرد، نخستین ترجمه کمدی «مسیو پورسینیاک» در کشور ما است که در سؤمین سال سلطنت «مظفرالدین‌شاه قاجار» از سوی کاتبی به نام «احمدالحسینی ابن میرزا علی‌رضای امین‌دواب تفرشی» کتابت شده است. متأسفانه

نام مترجم و تاریخ دقیق ترجمه این اثر بر ما معلوم نیست. ولی آنچه مشخص است، اینکه نمایشنامه مزبور چندی پیش از سال ۱۳۱۶ ه.ق ترجمه شده و علی‌رغم آنکه کتابت هم شده، ولی با این حال بنا به عدم انتشار برای سالیان دراز به محاق فراموشی سپرده شده است.

این اثر که نسخه خطی آن برای نخستین بار در این مجموعه معرفی می‌گردد، ترجمه‌ای مغتنم و گران‌سنگ از طلیعه نهضت ترجمه آثار «مولیر» در عصر قاجار است که در اواخر دوره ناصری یا اوائل سلطنت مظفری ترجمه شده و از این رو برخلاف اکثر آثار دوران خود که اقتباس و ایرانیزه می‌شده، این نسخه ترجمه‌ای اصیل و به دور از آداپتاسیون می‌باشد.

بر جامعه پژوهشی نمایشی ایران پوشیده نیست که دایرة اطلاعات ما از ادبیات نمایشی عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) و «مظفری» (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه.ق) به شدت ناچیز است. از این رو انتشار و شناسایی این دست آثار نه تنها می‌تواند به شناخت و درک فضای نمایشی آن دوران کمک چندانی نماید، بلکه معرفی و شناسایی هر یک از این آثار در نوبه خود می‌تواند امروزه حداقل برای قشر کوچکی از علاقه‌مندان جامعه نمایشی کشور ما گنجینه‌ای گران‌بها تلقی گردد.

حال از آنجا که دسترسی به گذشته تاریک و فراموش‌شده تئاتر و ادبیات نمایشی کشورمان میسر نمی‌گردد، مگر به یمن مطالعات و پژوهش‌های تازه و بنیادی، لذا این مجلد درصدد است که یکی دیگر از آثار ارزشمند و کهن سال ادبیات نمایشی کشورمان را که امروزه متأسفانه با گذشت بالغ بر یک قرن و اندی همچنان مهجور و متروک مانده است را منتشر نماید.

پیش از ورود به مبحث اصلی ذکر چند نکته الزامی است.

نخست آنکه در این کتاب تمرکز اصلی تنها به بحث بر روی نمایشنامه «مسیو پورسنياک» معطوف شده است، زیرا حتی در معتبرترین مآخذ و منابعی که در ایران راجع به «مولیر» و آثارش منتشر شده، به ندرت می توان اشاراتی را جز ذکر یک نام از این نمایشنامه مشاهده نمود.

دوم آنکه در این پژوهش جدا از تحلیل و تفسیر کمدی «مسیو پورسنياک»، مباحث دیگری نیز مطرح شده است. این مباحث عبارتند از:

۱. نگرشی بر ترجمه آثار «مولیر» در نواحی خاورمیانه؛ در این مبحث به تفصیل راجع به ترجمه آثار مولیر و تأثیرات آثار وی در ممالک روسیه و قفقاز، ممالک عرب و عثمانی تا پایان قرن ۱۹ میلادی سخن رانده شده است. راجع به این مبحث آنچنان که می بایست جز اشاراتی سطحی تاکنون در پژوهش های ایرانی سخن چندان به میان نرفته است، از این رو در این مبحث با تکیه بر منابع ترکی و عربی بدان پرداخته شده است.

۲. نهضت ترجمه و اقتباس کمدی های «مولیر» در ایران (از ابتدا تا آغاز قرن بیستم میلادی)؛ در این مبحث به اختصار راجع به این نهضت صحبت شده است. خوشبختانه راجع به این مبحث سابقاً تنی چند از پژوهشگران نظیر: «باقر مؤمنی»، «مایل بکتاش»، «جمشید ملک پور» و حتی «فرخ غفاری» مطالبی را منتشر نمودند، بدین جهت این پژوهش درصدد است که آن نوشتار را وسعت بخشیده و یا برخی از نواقص جزئی آن را در حد بضاعت برطرف کند.

۳. معرفی، مقایسه و بررسی ترجمه های کمدی «مسیو پورسنياک» در ادبیات نمایشی ایران؛ در باب این مبحث باید گفت که راجع به کمدی «مسیو پورسنياک» تاکنون نه تنها پژوهش و ترجمه ای مستقل در ادبیات نمایشی ایران منتشر نشده، بلکه

به همین جهت از ترجمه‌های صورت گرفته در تاریخ ادبیات نمایشی ایران نیز آگاهی چندانی در دسترس نیست. از این رو در پژوهش پیش‌رو اقتباس‌ها و آدپتاسیون‌هایی که از این کمدی فرانسوی در گذشته ادبیات نمایشی ایران صورت گرفته است نیز مطرح و معرفی می‌شوند.

سوم آنکه نسخه خطی «مسیو پورسنياک» که بالغ بر یک قرن از زمان ترجمه آن می‌گذرد، اگرچه در زمان خود به صورت نستعلیق شکسته توأم با جدول‌کشی و حتی متفاوت‌تر از سایر متون نمایشی کتابت گردیده است، اما امروزه به دلیل اشکالات اساسی نسخه، ناخوانایی برخی از قسمت‌های اثر، تغییرات زبان، اصول نگارشی و دلایل دیگر، مستلزم استنساخ، تحشیه، ویرایش و آماده‌سازی به صورت چاپی می‌باشد که توضیحات کامل آن به تفصیل در مباحث «نگرشی بر نسخه‌شناسی و ترجمه کمدی مسیو پورسنياک» و «نکاتی چند در باب تصحیح نسخه خطی مسیو پورسنياک» شرح داده شده است.

چهارم آنکه اگرچه نام مترجم این اثر علی‌رغم کوشش فراوان همچنان تاکنون بر ما نامعلوم مانده است، اما خوشبختانه نام کاتب این اثر در دو قسمت از نسخه درج شده است. از این رو در این پژوهش به جای مترجم اثر، کاتب اثر را شناسایی نموده و تا حد نیاز نیز پیرامون زندگانی و آثار او توضیحاتی شرح داده شده است.

در پایان وظیفه می‌دانم از عزیزان و دوستانی که در این پژوهش یاری‌رسانم بودند کمال تشکر و قدردانی به جا آورم. ابتدا از برادر عزیزم «سیاوش پورحسن» که ترجمه قطعات بالت ایتالیایی این نمایشنامه را بر عهده داشت. همچنین از پدرم که در بازخوانی این نسخه خطی و ارائه نظرات سودمند برای مباحث این کتاب مددیارم بود. از مسئولان انتشارات کوله‌پشتی نیز جهت قبول انتشار این مجموعه کمال امتنان دارم. از سرکار خانم «نیلوفر معنی» (استاد معماری دانشگاه فرانسه) که با بزرگواری خود در

تصحیح قسمت‌هایی از ترجمه فرانسوی به فارسی یاری‌رسانم بود، کمال قدردانی دارم. در نهایت نیز از مساعدت‌ها و زحمات ویراستار این مجموعه سرکار خانم «مینو ابوذرحمهری» کمال سپاسگزاری دارم. بی‌گمان اگر همراهی، حمایت‌ها و تشویق‌های ایشان نبود این کتاب نیز به مرحله انتشار نمی‌رسید.

در مجموع هیچ جستاری اولین، آخرین و کامل‌ترین نیست. لذا آرزومندم که جامعه نمایشی و دانشگاهی ایران نیز اندکی توجه بیشتری به پیشینه پرفراز و نشیب هنرهای نمایشی کشورمان معطوف سازند تا حداقل بخشی از این تاریکی‌ها برای آیندگان از گزند فراموشی و انهدام در امان بماند.

پاییز ۹۳ تا پاییز ۱۳۹۶ خورشیدی

نیایش پورحسن